

دامغانی عرض کنم که اگر شما میخواهید لاف ملاحظه رعایا را بکنید بیس نهاد کنید از اول جدی این کار را بکنند زیرا موقع زمستانست رعایا کار ندارند و توی خانه شان نشسته اند نه این که اسدرا که وقت کار و زحمت و تحصیل معیشت است بفرمائید پس معلوم میشود که این نکته را در نظر نگرفته اید حالا آن چیزی را که دولت پیش نهاد کرده است بنده موافقم چرا؟ برای اینکه خرمن نامیزان آنچه باشد بدست آمده است و خودتان می دانید که سنبله موقع تخم کاشتن و شخم زدنست همه رعیت هستیم و اطلاع داریم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیت

رئیس - ماده ۸ قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - هر سال در ابتدای حمل در شعبه سر باز گیری هر ناحیه قشونی صورتی از کلیه افرادی که در آن سال بسن سر بازی می رسند و در ثبت حوزه های جزا میباشند از دفتر کل نفوس آن ناحیه استخراج و صورت عده نفراتی که در آن سال باید گرفته شود به اضافه صدی ۲۰ بجهت معافی و فراری برای رؤسای حوزه های جزا و بک نسخه دیگر بوزارت جنگ ارسال میگردد

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمداد دامغانی - عرضی ندارم

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که جمله (بجهت معافی و فراری) در آخر سطر چهارم از ماده (۸) حذف شود.

رئیس - آقای مدرس پیشنهاد کرده اند جاسه را ختم کنیم

بعضی از نمایندگان - ماده نهم را هم بخوانند که يك فصل تمام شده باشد.

مدرس - بسیار خوب قبول میکنم

رئیس - ماده نهم قرائت میشود:

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - پس از آن که اوامر وزارت جنگ به امرای لشکر و مأمورین سر باز گیری برسد مأمورین مزبور با صاحب منصبان ساخلو که برای هر حوزه جزء معین شده اند با دفاتر مزبوره در ماده (۸) بمرکز خود رفته با اطلاع مأمورین کشوری اسامی کلیه افرادی را که داخل سن سر بازی شده و در آن حوزه حضور دارند یا مسافرت کرده باشند از دفتر نفوس استخراج و حاضرین را بمجلس سر باز گیری و مجلس قرعه احضار نمایند به استثنای مسافرین و اشخاص علیل غیر قادر بجزکت که باید کدخدای محل بدر یا برادر یا یکی از بستگان ذکور آنها را در مجلس قرعه حاضر نمایند.

وزیر فو اعد عامه - این ماده محتاج

بیک اصلاح عبارتی است باید نوشته شود. پس از صدور اوامر وزارت جنگ مأمورین سر باز گیری الی آخره آن قسمت امرای لشکر و مأمورین باید حذف شود. چون اینها عملیاتی است که مربوط به نظام نامه است و بیک اصلاح دیگری هم در این ماده لازم است بشود. کلیه افرادی که داخل سن سر بازی شده باید اضافه شود. همچنین اشخاصی را که در دو سال قبل بر حسب قرعه از خدمت معاف شده اند چون این ماده مربوط است بآن ماده که فعلا گذشت چون مطابق آن ماده اینطور بود هر کس که همان سال از قرعه معاف شد دیگر متعرض او نباید بشوند و در صورتی که مقصود این نبود مقصود این بود که دو سال بعد در جزو کسانی که باید نسبت بآن ها قرعه کشیده شود حاضر باشند و این ماده هم چون مربوط به آن ماده است باید اصلاح شود و این اصلاحات را هم چون آقای مخبر کمیسیون شرکت داشته و دارند در کمیسیون اصلاح خواهند فرمود.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمداد دامغانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیت.

رئیس - پیشنهاد هاقرائت میشود.

پیشنهاد آقای میرزا آقاخان بنده پیشنهاد میکنم بجای ساخلو (حاضر خدمت) نوشته شود.

پیشنهاد آقای اخگر بنده پیشنهاد میکنم عبارت صاحت - منصبان ساخلو عبارت (صاحب منصبان نگهبان) تبدیل شود.

رئیس - جلسه آتیه روز شنبه: دستور اولاً مخبر کمیسیون بودجه راجع بدوازده نفر بلژیکی.

مشارع اعظم - بنده اجازه خواسته ام

رئیس - بلی می دانم عرض می کنم اگر تصویب فرمودید تغییر می دهیم. بعد جمعی پیشنهاد کرده اند که ۲ فقره خیر کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام کشوری نسبت بمواد تفسیری که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است و راپورت کمیسیون معارف راجع بحق التدریس مستخدمین دولتی در مدارس بعد آقای حایری زاده پیشنهاد کرده اند قانون بلدیة جزء دستور جلسه آتیه شود. نسبت به ۱۴ نفر بلژیکی که مخالفی نیست؟

آقا سید یعقوب بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - مکرر در این مجلس صحبت شده است که دستور مجلس تعیین

آن باخ و مجلس است بنده منعقد این قانون نظام اجباری که يك فصلش گذشته است این قانون را تمام کنیم و بعد داخل در قسمت های دیگر شویم.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اولاً نسبت برابرت کمیسیون بودجه در همین جلسه پیشنهاد آقای مدرس اصلاح شد و همه آقایان تصویب کردند در ظرف يك ساعت که نمی شود تغییر رأی داد بنابراین بنده تصور می کنم محتاج برای جدید نباشد و اما آن قسمت دیگر راجع به تفسیر دوماده است که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده و یکی هم شرح قانونی از طرف آقایان نمایندگان در این جا تنظیم شده است که راجع بقسمت حق التدریس معلمین است و بکمیسیون های مربوطه ارجاع شده و تصور می کنم چندان وقتی هم لازم نخواهد داشت لهذا معتقدم این هم بعد از راپورت کمیسیون بودجه مطرح شود.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بنده مخالفم.

تدین - حالا لازم نیست عصبانی بشوید. رأی ندهید.

رئیس - چون عده کافی نیست جلسه را ختم میکنم.

(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک منشی علی اقبال الممالک منشی معظم السلطان

جلسه صد و چهل و یکم صورت مشروح مجلس یوم شنبه ۲۳ حوت ۱۳۰۳ مطابق ۱۸ شعبان ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و چهل و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۱ حوت را آقای آقامیرزا جواد جان قرائت نمودند)

رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بعد از تصویب صورت جلسه عرضی ندارم.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرض بنده قبل از دستورات است.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بعد از تصویب صورت جلسه عرضی دارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - در صورت مجلس نوشته بود لایحه مستخدمین بلژیکی بر حسب پیشنهاد آقای مدرس رأی گرفته و رد شد که از دستور خارج شود در صورتیکه رأی گرفته نشد.

آقای مدرس يك پیشنهادی کردند آقای رئیس هم قبل از اینکه مطلب را درست مجلس ملتفت بشود خواستند رأی بگیرند مجمل ماند.

رئیس - آقای مدرس پیشنهادی کردند به آن رأی گرفتیم رد شد.

حائریزاده - خیر مجمل ماند.

رئیس - آقای مدرس پیشنهادی کردند آقای نصرت الدوله هم خواستند اصلاحی بجهت آن پیش نهاد کنند.

مدرس - من هم قبول کردم.

رئیس - قبول کردید ولی ننوشتید. باید نوشته باشید که در روی آن رأی گرفته شود.

علی ای حال به پیشنهاد مدرس رأی گرفتیم و رد شد و انگهی اگر هم ایرادی بود می بایستی همان موقع بفرمائید تشخیص اکثریت هم با هیئت رئیسه است. نسبت به صورت مجلس ایرادی نیست؟

آقا سید یعقوب - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - آن وقتی که مقام محترم ریاست دستوری را اعلام فرمودند بنده مخالفت کردم و عرض کردم همان قانون سر باز گیری که جزو دستور است آن را تمام کنیم بعد وارد در لایحه دیگر شویم.

آقای رئیس فرمودند اکثریت نیست که در این باب رأی گرفته شود در صورت مجلس نوشته است که دستور اینطور معین شد و جلسه ختم شد.

مخالفت بنده نسبت بدستوری که اعلام فرمودید و در صورت مجلس نوشته است بود.

رئیس - حالا که می خواهیم داخل دستور شویم اظهار بفرمائید تا در آن رأی گرفته شود. نسبت به صورت مجلس ایرادی نیست؟

بعضی از نمایندگان - خیر.

رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بنده پیشنهادی تقدیم مقام ریاست کرد که این چهار روز جلسه که تا عید باقی است از چهار به ظهر تشکیل شود ولی چون عده برای رأی کافی نبود اخذ رأی ماند برای امروز.

نظر بنده این بود که قانون نظام عمومی تا قبل از عید شور اولش تمام شود

و مانع به کرده ایم که در وسط يك قانونی وقتی مسائل دیگری پیش بیاید آن قانون خیلی طول میکشد حالا که این قانون به مجلس آمده و قانون مهمی هم هست از آقایان محترم استدعا میکنم که بدون تأخیر همین قانون را تعقیب کنند که برای اول عید نام شود در این يك ساعت هم که اضافه می شود ما می توانیم مسائل دیگر را هم مطرح کنیم

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی تهرانی - بنده خواستم اصل بیستم قانون اساسی را تذکر بدهم و عین عبارت این اصل را میخوانم بعد توضیح خواهم داد . اصل بیستم میگوید:

بوده هریک ازوزارت خانها باید در آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده یا ندره روز قبل از عید نوروز حاضر باشد .

امروز تقریباً پنج شش روز بیشتر به عید نوروز و سال آتی باقی نمانده و هنوز بودجه هیچ يك ازوزارت خانها حتی بودجه وزارت مالیه به مجلس نیامده و گمان میکنم دوسه ماهه از سال آتی فرستادن بودجه باید بآن رسیدگی شود و ماه به دولت يك دوازدهم اعتبار از مجلس خواهد خواست .

آخر سال هم معلوم نیست مقدارش را وزارت خانها چیست؟ و بالاخره منتهی میشود باینکه اکثر وزارت خانها در آخر سال آتی چهار ماه پنج ماه برای حقوق معطل بمانند این است که تقاضا میکنم از طرف مجلس بدولت تذکر داده شود که موافق اصل بیستم قانون اساسی زودتر بودجه را به مجلس ارسال دارند .

بیشتر عرض بنده متوجه يك چیزی است که در همین جا بنده از آقای وزیر معارف سؤال کردم راجع به معارف آذربایجان که بیست و هشت هزار تومان بیشتر بودجه معارف آذربایجان نیست و اهمیت معارف ابتدائی و تحصیل زبان فارسی در آذربایجان بقدری است که گمان نمی کنم هیچ يك از آقایان نمایندگان انکار کنند .

(بعضی از نمایندگان - صحیح است) و مخصوصاً هم متوجه هستند معارف آذربایجان و تبلیغ زبان فارسی در آن جا وزارت معارف وعده کرده است بر حسب تصمیم آقای رئیس الوزراء و هیئت وزراء در سنه آتی پنج هزار تومان بالغ خصوص برای معارف آذربایجان تخصیص بدهند که در تمام آن جا مدارس سه چهار کلاسه برای تدریس زبان فارسی تأسیس شود و البته اگر بودجه به مجلس بیاید تمام آقایان توجهی خواهند فرمود که بودجه معارف آذربایجان زیاد شود و پنجاه هزار تومان

برای آنجا منظور شود تا بعد از این زبان ملی ما در تمام نقاط خاصه آذربایجان انتشار پیدا کند .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - تصور میشود آقایان نمایندگانی که در این چند دوره بنده در مجلس شرافت خدمت گذاری داشته ام و با هم آشنا بوده ایم تصدیق کنند که بنده هیچ وقت در مدت نمایندگی خودم نخواسته ام در مطالب خصوصی وارد شده باشم زیرا اینکه به اصل دوم قانون اساسی که در آنجا تصریح و مسلم است که مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت است که بلااستثناء در مسائل و موارد سیاسی و اقتصادی شرکت دارند . با این اصل هیچ ضرورت نداشته است که گاهی پیش بیاید که بنده در يك مورد بخصوص نسبت بجماعت زردشتی یا قسمت های دیگری حرف زده باشم

حالا هم اگر عرض میکنم از همان نقطه نظر است که معتقد نیستم بتبعیض وقتی که يك همچو اصلی مجر از است البته جای آن نیست که بنده معتقد بیک تبعیض باشم بر پروردگاری که ماده اول قانون نظام اجباری مطرح بوده است بنده شرف حضور نداشتم که مذاکرات را کاملاً بشنوم ولی بعد شنیده شد که در اطراف آن يك مذاکره ای شده است چون يك مذاکره ای نسبت بمثل متنوعه شده است که حتی بنده در چند جلسه قبل از کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات استدعا کردم که دقت فرمایند شاید عبارت دیگری پیدا کنند (که ملل متنوعه استعمال نشود) برای اینکه تمام جماعتها يك ملت هستند و تا حدی افتخار بیستگی خودمان بایران داریم که امترازم میکنیم از این کلمه .

البته مورد ندارد که خودمان را جدا بدانیم .

(جمعی از نمایندگان - صحیح است) در آن روز چون عنوانی باسم ملل متنوعه شده بود (و هنوز هم لغت دیگری برایش علم نشده بنده هم عجباً همان عبارت را عرض میکنم)

و از طرف نمایندگان ملل متنوعه در اینجا اظهاری شده بود این است که بنده از طرف خودم و اجازه که از طرف نمایندگان مسیحی و کلبی دارم بطور اختصار عرض میکنم که اگر در آن روز سکوت اختیار شده و عرض نشده است بچند جهت بوده است . اولاً در چنین موارد بهتر است که رعایت ادب و احترام بعمل آمده باشد و در حال عصبانی بودن عرضی نشده باشد .

ثانیاً تا موقع شور ثانی فرصت در دست بوده است که تا آنوقت مطالعات بشود که معلوم شود نظر اکثریت مجلس چیست و برای اینکه تصور نشود آن سکوت موجب رضا بود . است این عرض را کردم .

(و البته هستند)

يكی اصل دوم قانون اساسی و اصل هشتم متمم قانون اساسی و یکی ایرانیت و اصل ملیت و وقتی باین دو اصل معتقد شدیم آرزوی آنوظیفه ایرانیت را معین کنیم .

حالا هم در اساس مطلب عرض نمیشود برای اینکه آن فرصت هنوز از ما سلب نشده است البته اگر موقع برسد ضرورت ایجاد کند کند برای هریک مجال اظهار عقیده باقی است .

ولی چون آن روز در اینجا يك مذاکره ای شده است که ممکن است در خارج يك سوء تعبیراتی بشود اگر چه ما خودمان کاملاً معترضیم که هیچ قصد و غرضی در اساس نبوده است .

برای اینکه همیشه نظر آقایان نمایندگان نظر توجه به عموم و نظر شفقت و رأفت و نظر قضاوت و صحت بوده است . ولی چون ممکنست سوء تعبیرات و تفسیراتی در خارج بشود (زیرا صدای این جا فریادها هستی است که در کوچه و بازار و خانه ها بلند است) و صدای اینجا در دنیا منعکس میشود دنیا باید در آن قضاوت کند .

بعلاوه ممکن است بعضی عبارات در داخله مملکت سوء تعبیر و تفسیر شود . و همین طور ممکن است کسانی که بعد از مذاکرات امید وار بوده اند بوطن خودشان برگردند يك اثرات بدی داشته باشد و بعد از يك مدتی امید آنها را بیأس مبدل کند . عرض میکنم در دوره چهارم هم در ضمن یکی از مطالب عرض کردم

ما بقدری ایرانیت را برای خودمان مسلم میدانیم و عمل نشان دادیم که در موقع شدید ترین تهاجمات هیچ شمشیر برنده نتوانست ما را از افتخار ایرانیت جدا کند و هیچوقت هم نخواهد توانست

برای اینکه ما باین اسم و باین آب و خاک هلاقمند هستیم و البته بایدوظیفه خودمان را ادا کنیم ما هیچ وقت نمیخواهیم خودمان در شادی و راحت باشیم و برادران مادر رنج و تعب .

وقتی که ما خودمان را داخل يك ملت میدانیم عقیده مندیم که در رنج و راحت در همه چیز شریک باشیم و این عقیده نیست که ما امروز بخواهیم در این موضوع مخصوص عرض کنیم بلکه همیشه متوجه هستیم بآن چیزی که قانون اساسی امر میکند .

بطوریکه عرض کردم بنده نمیخواهم داخل در اصل موضوع شوم همین قدر از طرف خودم و از طرف نمایندگان مسیحی و کلبی بطور اختصار عرض میکنم و استدعا دارم آقایان نمایندگان در ضمن اینکه تا موقع شور دوم فرصت دارند متوجه بدو اصل بشوند .

برای اینکه همان قانون اساسی که تکیه مشروطیت و اختیار مجلس شورای ملی بر روی آن محکم است فقط يك استنباط در آنجا تصریح کرده و آن اصل پنجاه و هشتم متمم قانون اساسی است که در موضوع وزارت است و آنهم موضوع معلوم است .

که در چه موقعی بوده است و البته امیدواری هست که بتدریج مقتضیات و اگر مقتضیات وقت آن روز این طور اقتضا کرده است

مقتضیات بعد هم متدرجاً این طور شود آن اصل هم اصلاح شده و این تبیین هم از بین برداشته شود .

پیش از این عرض نمیکند و این عرض فقط برای این بود که حکومت بر پروردگاری رضا تصور نشود و البته وقت برای همه باقی است که در این باب بیشتر غور بشود .

جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم .

مدرس - آقا اجازه میخواهم بکنم توضیحی بدهم در عرض آن روزم اگر توضیح ندمم آقایان در اشتباه خواهند ماند .

رئیس - رأی میگیریم که داخل دستور شویم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

اخگر - بنده راجع به دستور عرض دارم .

رئیس - بفرمائید .

اخگر - بنده عقیده ام این است که از لایحه راجع بآقایان بلژیکی قانون نظام اجباری مطرح شود زیرا نه ماده اش گذشته است و اگر بقیه مواد هم بگذرد و بعد از گذشتن این قانون در سایر مسائل مذاکره کنیم بهتر خواهد بود .

رئیس - سه فقره پیش نهاد در این باب رسیده است قرائت میشود .

(شرح ذیل قرائت گردید)

پیشنهاد آقای رئیس التجار - بنده پیش نهاد میکنم قبل از تمام شور اول قانون نظام اجباری هیچ لایحه دیگری جز دستور نشود و امروز هم در درجه اول باشد .

پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس - پیشنهاد میکنم که قانون نظام در درجه اول جز پیشنهاد آقای مدبر الملک بنده پیش نهاد میکنم این چند جلسه قبل از عید نوروز فقط منحصر باشد بشور در قانون نظام اجباری .

رئیس - رأی میگیریم بپیشنهاد آقای رئیس التجار آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

برای اینکه همان قانون اساسی که تکیه مشروطیت و اختیار مجلس شورای ملی بر روی آن محکم است فقط يك استنباط در آنجا تصریح کرده و آن اصل پنجاه و هشتم متمم قانون اساسی است که در موضوع وزارت است و آنهم موضوع معلوم است .

که در چه موقعی بوده است و البته امیدواری هست که بتدریج مقتضیات و اگر مقتضیات وقت آن روز این طور اقتضا کرده است

مقتضیات بعد هم متدرجاً این طور شود آن اصل هم اصلاح شده و این تبیین هم از بین برداشته شود .

پیش از این عرض نمیکند و این عرض فقط برای این بود که حکومت بر پروردگاری رضا تصور نشود و البته وقت برای همه باقی است که در این باب بیشتر غور بشود .

جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم .

مدرس - آقا اجازه میخواهم بکنم توضیحی بدهم در عرض آن روزم اگر توضیح ندمم آقایان در اشتباه خواهند ماند .

رئیس - رأی میگیریم که داخل دستور شویم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

کسی سئش به سی یاسی و پنج رسید تکلیفش چه خواهد بود فرمودند هم مشمول قانون سربازی - گیری نخواهد شد .

اگر اینطور باشد دیگر اینجای لفظ سنین بیورد است .

باید گفت هر گاه در سن فلان واقع شود .

سالار لشکر مغیر کمسیون - شرحی را که آقای دامغانی نسبت باطباء و معلمین فرمودند البته آقای دامغانی تصدیق می نمایند که در سن بیست و يك سالگی خیلی مشکل است کسی طبیب حسابی شده باشد بواسطه اینکه همانطور که امروز هم ایراد کردند و جواب هم داده شد باید از سن بیست و يك سالگی شروع بنظام اجباری بکنند و این برای این است که در سن بیست و يك سالگی بروند داخل خدمت نظامی شوند و دین خود را بمملکت ادا کنند بعد بروند برای تحصیل علوم عالیه .

اگر مقصود آقا اطباء قدیمی است که بالارث يك اطلاعاتی دارند .

اینقسم اطباء بهیچوجه وجودشان برای جامعه مفید نیست و اگر هم مقصودشان يك اطباءئی است مثل آقای امیر اعلم که در اروپا تحصیل کرده باشند گمان نمیکنم قبل از سن بیست و پنج بایست و شش باشد تصدیق دیگر هم دارد .

مثلاً ما ویرین و اطباء صحیه باید معاف باشند برای اینکه طرف احتیاج جامعه هستند .

همینطور اطباءئی که در شهرها طرف احتیاج جامعه هستند باید معاف باشند به علت اینکه همانطور که عمل سربازی را که اهمیتش از هر کاری زیادتر است يك عده ای باید اداره کنند همانطور باید که مردم را اداره کنند .

اهمیت معلمینی که تدریس می کنند معلومت و از نقطه نظر ترویج معارف بایستی آنها هم معاف باشند و این را در موقع خودشان پیشنهاد کرد

علاوه بر اینکه در این ماده نوشته شده است مدرسین درجات عالیه علوم معقول و منقول .

بنده مقصود از لفظ درجات عالیه را نفهمیدم که آیا مقصود این است آنهائی که تدریس می کنند و اصول درس میگویند معافند و اگر مدرس در مدرسه صرف و نحو بگوید معاف نخواهد بود ؟

گمان میکنم لفظ درجات عالیه زیاد است و باید حذف شود .

دیگر اینکه اینجا نوشته است هر گاه در سن سربازی واقع شوند .

در روز آقای مغیر توضیح دادند که اگر از سن بیست و يك سالگی گذشت دیگر معاف است و مخصوصاً بنده سؤال کردم که اگر

دست دارند .

بنظر بنده باید اینجا توضیح شود که مقصود از اجازه اجازه اجتهاد است یا اجازه حسبی است .

باز هم برای توضیح عرض میکنم در دهات غالباً يك اشخاصی باینک عمامه های بزرگی پیدا میشوند ولی صاحبانش هیچ سواد ندارند .

در ایام گذشته برای فرار از سربازی فرضاً اسم يك کسی حسن بوده است عمامه گذاشته است شیخ حسن شده است ولی اسم شیخ حسن رویش مانده است .

مقصود این است كه ما خودمان پیش بینی هائی میکنیم که فردا برای اشخاص وسیله شود و هر کس يك عمامه سرش بود از خدمت سربازی خودش را معاف بداند .

دیگر اعتراضات بنده راجع بمعافیت است .

چون تمام این فصل راجع بمعافیت و هر کدام به يك ترتیب مخصوص معاف شده اند .

بعضی ها مدت خدمت سربازی شان کم است و بعضی ها بکلی معاف هستند .

همانطور که آقای دامغانی فرمودند معلم از نقطه نظر ترویج معارف باید معاف باشد .

ما معلمین را آن احترامی که باید به آنها بکنیم نمیکنیم و آن حقوق را كه بایستی بآنها بدهیم نمیدهیم و آن توقعی که از نقطه نظر ترویج باید از معلمین بشود نمیشود .

مخصوصاً در ولایات .

پس برای دلخوشی آنها و برای زیاد کردن معلم بنده عقیده ام این است اگر معلمین را هم معاف کنیم بهتر است زیرا کمکی بتوسعه معارف و زیاد معلمین میشود .

دیگر مسئله اطباء است که جوابی که آقای مغیر دادند بنظر بنده قانع کننده نبود .

زیرا در فلان ولایت مثلاً در سبزوار سه طبیب بیشتر نیست و بنا این حال اگر بخواهند این سه نفر طبیب را تحت سلاح بیاورند دیگر گمان نمیکنم طبیبی در آن خطه پیدا شود .

در تمام مملکت شاید بیش از هفتصد هشتصد نفر طبیب رسمی تصدیق دار نباشد و نصف آنها هم در طهران هستند و در ولایات بیش از یکی دو نفر نیستند اینک آقای مغیر فرمودند که کسانی که سنشان از بیست و يكسال گذشته است از خدمت نظام اجباری معافند اینطور نیست زیرا ما در بیست سالگی قرعه میکشیم و اتفاقاً قرعه بنام آنها اصابت نمی کند ولی بعد از آنکه در بیست و يكسالگی قرعه بنام آنها اصابت نکند معاف خواهند بود

دست دارند .

بنظر بنده باید اینجا توضیح شود که مقصود از اجازه اجازه اجتهاد است یا اجازه حسبی است .

باز هم برای توضیح عرض میکنم در دهات غالباً يك اشخاصی باینک عمامه های بزرگی پیدا میشوند ولی صاحبانش هیچ سواد ندارند .

در ایام گذشته برای فرار از سربازی فرضاً اسم يك کسی حسن بوده است عمامه گذاشته است شیخ حسن شده است ولی اسم شیخ حسن رویش مانده است .

مقصود این است كه ما خودمان پیش بینی هائی میکنیم که فردا برای اشخاص وسیله شود و هر کس يك عمامه سرش بود از خدمت سربازی خودش را معاف بداند .

دیگر اعتراضات بنده راجع بمعافیت است .

چون تمام این فصل راجع بمعافیت و هر کدام به يك ترتیب مخصوص معاف شده اند .

بعضی ها مدت خدمت سربازی شان کم است و بعضی ها بکلی معاف هستند .

همانطور که آقای دامغانی فرمودند معلم از نقطه نظر ترویج معارف باید معاف باشد .

ما معلمین را آن احترامی که باید به آنها بکنیم نمیکنیم و آن حقوق را كه بایستی بآنها بدهیم نمیدهیم و آن توقعی که از نقطه نظر ترویج باید از معلمین بشود نمیشود .

مخصوصاً در ولایات .

پس برای دلخوشی آنها و برای زیاد کردن معلم بنده عقیده ام این است اگر معلمین را هم معاف کنیم بهتر است زیرا کمکی بتوسعه معارف و زیاد معلمین میشود .

دیگر مسئله اطباء است که جوابی که آقای مغیر دادند بنظر بنده قانع کننده نبود .

زیرا در فلان ولایت مثلاً در سبزوار سه طبیب بیشتر نیست و بنا این حال اگر بخواهند این سه نفر طبیب را تحت سلاح بیاورند دیگر گمان نمیکنم طبیبی در آن خطه پیدا شود .

در تمام مملکت شاید بیش از هفتصد هشتصد نفر طبیب رسمی تصدیق دار نباشد و نصف آنها هم در طهران هستند و در ولایات بیش از یکی دو نفر نیستند اینک آقای مغیر فرمودند که کسانی که سنشان از بیست و يكسال گذشته است از خدمت نظام اجباری معافند اینطور نیست زیرا ما در بیست سالگی قرعه میکشیم و اتفاقاً قرعه بنام آنها اصابت نمی کند ولی بعد از آنکه در بیست و يكسالگی قرعه بنام آنها اصابت نکند معاف خواهند بود

دست دارند .

بنظر بنده باید اینجا توضیح شود که مقصود از اجازه اجازه اجتهاد است یا اجازه حسبی است .

باز هم برای توضیح عرض میکنم در دهات غالباً يك اشخاصی باینک عمامه های بزرگی پیدا میشوند ولی صاحبانش هیچ سواد ندارند .

در ایام گذشته برای فرار از سربازی فرضاً اسم يك کسی حسن بوده است عمامه گذاشته است شیخ حسن شده است ولی اسم شیخ حسن رویش مانده است .

مقصود این است كه ما خودمان پیش بینی هائی میکنیم که فردا برای اشخاص وسیله شود و هر کس يك عمامه سرش بود از خدمت سربازی خودش را معاف بداند .

دیگر اعتراضات بنده راجع بمعافیت است .

چون تمام این فصل راجع بمعافیت و هر کدام به يك ترتیب مخصوص معاف شده اند .

بعضی ها مدت خدمت سربازی شان کم است و بعضی ها بکلی معاف هستند .

همانطور که آقای دامغانی فرمودند معلم از نقطه نظر ترویج معارف باید معاف باشد .

ما معلمین را آن احترامی که باید به آنها بکنیم نمیکنیم و آن حقوق را كه بایستی بآنها بدهیم نمیدهیم و آن توقعی که از نقطه نظر ترویج باید از معلمین بشود نمیشود .

مخصوصاً در ولایات .

پس برای دلخوشی آنها و برای زیاد کردن معلم بنده عقیده ام این است اگر معلمین را هم معاف کنیم بهتر است زیرا کمکی بتوسعه معارف و زیاد معلمین میشود .

دیگر مسئله اطباء است که جوابی که آقای مغیر دادند بنظر بنده قانع کننده نبود .

زیرا در فلان ولایت مثلاً در سبزوار سه طبیب بیشتر نیست و بنا این حال اگر بخواهند این سه نفر طبیب را تحت سلاح بیاورند دیگر گمان نمیکنم طبیبی در آن خطه پیدا شود .

در تمام مملکت شاید بیش از هفتصد هشتصد نفر طبیب رسمی تصدیق دار نباشد و نصف آنها هم در طهران هستند و در ولایات بیش از یکی دو نفر نیستند اینک آقای مغیر فرمودند که کسانی که سنشان از بیست و يكسال گذشته است از خدمت نظام اجباری معافند اینطور نیست زیرا ما در بیست سالگی قرعه میکشیم و اتفاقاً قرعه بنام آنها اصابت نمی کند ولی بعد از آنکه در بیست و يكسالگی قرعه بنام آنها اصابت نکند معاف خواهند بود

دست دارند .

بنظر بنده باید اینجا توضیح شود که مقصود از اجازه اجازه اجتهاد است یا اجازه حسبی است .

باز هم برای توضیح عرض میکنم در دهات غالباً يك اشخاصی باینک عمامه های بزرگی پیدا میشوند ولی صاحبانش هیچ سواد ندارند .

در ایام گذشته برای فرار از سربازی فرضاً اسم يك کسی حسن بوده است عمامه گذاشته است شیخ حسن شده است ولی اسم شیخ حسن رویش مانده است .

مقصود این است كه ما خودمان پیش بینی هائی میکنیم که فردا برای اشخاص وسیله شود و هر کس يك عمامه سرش بود از خدمت سربازی خودش را معاف بداند .

دیگر اعتراضات بنده راجع بمعافیت است .

چون تمام این فصل راجع بمعافیت و هر کدام به يك ترتیب مخصوص معاف شده اند .

بعضی ها مدت خدمت سربازی شان کم است و بعضی ها بکلی معاف هستند .

همانطور که آقای دامغانی فرمودند معلم از نقطه نظر ترویج معارف باید معاف باشد .

ما معلمین را آن احترامی که باید به آنها بکنیم نمیکنیم و آن حقوق را كه بایستی بآنها بدهیم نمیدهیم و آن توقعی که از نقطه نظر ترویج باید از معلمین بشود نمیشود .

مخصوصاً در ولایات .

پس برای دلخوشی آنها و برای زیاد کردن معلم بنده عقیده ام این است اگر معلمین را هم معاف کنیم بهتر است زیرا کمکی بتوسعه معارف و زیاد معلمین میشود .

دیگر مسئله اطباء است که جوابی که آقای مغیر دادند بنظر بنده قانع کننده نبود .

زیرا در فلان ولایت مثلاً در سبزوار سه طبیب بیشتر نیست و بنا این حال اگر بخواهند این سه نفر طبیب را تحت سلاح بیاورند دیگر گمان نمیکنم طبیبی در آن خطه پیدا شود .

در تمام مملکت شاید بیش از هفتصد هشتصد نفر طبیب رسمی تصدیق دار نباشد و نصف آنها هم در طهران هستند و در ولایات بیش از یکی دو نفر نیستند اینک آقای مغیر فرمودند که کسانی که سنشان از بیست و يكسال گذشته است از خدمت نظام اجباری معافند اینطور نیست زیرا ما در بیست سالگی قرعه میکشیم و اتفاقاً قرعه بنام آنها اصابت نمی کند ولی بعد از آنکه در بیست و يكسالگی قرعه بنام آنها اصابت نکند معاف خواهند بود

دست دارند .

بنظر بنده باید اینجا توضیح شود که مقصود از اجازه اجازه اجتهاد است یا اجازه حسبی است .

باز هم برای توضیح عرض میکنم در دهات غالباً يك اشخاصی باینک عمامه های بزرگی پیدا میشوند ولی صاحبانش هیچ سواد ندارند .

در ایام گذشته برای فرار از سربازی فرضاً اسم يك کسی حسن بوده است عمامه گذاشته است شیخ حسن شده است ولی اسم شیخ حسن رویش مانده است .

مقصود این است كه ما خودمان پیش بینی هائی میکنیم که فردا برای اشخاص وسیله شود و هر کس يك عمامه سرش بود از خدمت سربازی خودش را معاف بداند .

دیگر اعتراضات بنده راجع بمعافیت است .

چون تمام این فصل راجع بمعافیت و هر کدام به يك ترتیب مخصوص معاف شده اند .

بعضی ها مدت خدمت سربازی شان کم است و بعضی ها بکلی معاف هستند .

همانطور که آقای دامغانی فرمودند معلم از نقطه نظر ترویج معارف باید معاف باشد .

ما معلمین را آن احترامی که باید به آنها بکنیم نمیکنیم و آن حقوق را كه بایستی بآنها بدهیم نمیدهیم و آن توقعی که از نقطه نظر ترویج باید از معلمین بشود نمیشود .

مخصوصاً در ولایات .

پس برای دلخوشی آنها و برای زیاد کردن معلم بنده عقیده ام این است اگر معلمین را هم معاف کنیم بهتر است زیرا کمکی بتوسعه معارف و زیاد معلمین میشود .

دیگر مسئله اطباء است که جوابی که آقای مغیر دادند بنظر بنده قانع کننده نبود .

زیرا در فلان ولایت مثلاً در سبزوار سه طبیب بیشتر نیست و بنا این حال اگر بخواهند این سه نفر طبیب را تحت سلاح بیاورند دیگر گمان نمیکنم طبیبی در آن خطه پیدا شود .

در تمام مملکت شاید بیش از هفتصد هشتصد نفر طبیب رسمی تصدیق دار نباشد و نصف آنها هم در طهران هستند و در ولایات بیش از یکی دو نفر نیستند اینک آقای مغیر فرمودند که کسانی که سنشان از بیست و يكسال گذشته است از خدمت نظام اجباری معافند اینطور نیست زیرا ما در بیست سالگی قرعه میکشیم و اتفاقاً قرعه بنام آنها اصابت نمی کند ولی بعد از آنکه در بیست و يكسالگی قرعه بنام آنها اصابت نکند معاف خواهند بود

میتوانیم يك ميليون دوميليون قشون داشته باشيم با اين ترتيب اگر ده هزار نفر هم مستثنی شوند هيچ اهميتی ندارد.

يكفر از نمايندگان

هم بايد معاف باشد .
ياسائی - اگر آقایان فرمايش دارند بهترين است که بنوبت خودشان بروند بيش ترين وصحت کنند .

درباب زارع بايد عرض کنم که زارع نمی تواند وزير يا قاضی يا طبيب شود . اگر طبيب شد آن وقت بايد جامعه از طبابت او استفاده کند .

رئيس التجار

زارع چرا نمیتواند وزير يا طبيب شود معلوم میشود تساوی حقوق را مايل نیستند .
ياسائی - بنده تساوی حقوق را بهتر از جناب عالی قائل هستم ولی بديهي است که در تساوی حقوق فاضل و عالم بر جاهل رجحان و توفيق خواهد داشت و اين يك امر بديهي و مسلمی است .

خلاصه يکی از جزئیاتی که ما بايد در نظر بگيريم و منافع زياد دارد اينست که به عقیده بنده تمام اشخاصی که در خدمت نظامی پذیرفته میشوند آنها را سه درجه تقسیم کنیم .

در درجه اول که میخواهيم فرعه بگشيم بايد اول شروع کنیم با شخصی که متاهل نیستند اگر اين عده کافی نبود محتاج شد دوم تر به اشخاصی را خدمت نظامی قبول کنیم خوب است فرعه بگشيم ۱ بين اشخاصی که متاهل هستند ولی اولاد ندارند و بالاخره در درجه سوم اگر از محتاج شدیم بين اشخاصی که متاهل هستند و اولاد هم دارند فرعه بگشيم و خدمت نظامی بطلبيم آن وقت در نتیجه اين قانون ازدواج اجباری را ايجاب میکند .

طبعاً ما اين فستاء و منكری هم که ذکرش موجب شرمساری است جلو گیری خواهد شد .
و اين ترتيب خیلی خوب خواهد بود و هيچ اشکالی هم ندارد و با اين کیفیت ما تمام اشخاص را به فرعه بخدمت نظامی دعوت میکنيم منتهی تشويقی هم از ازدواج و ازدیاد نسل ایرانی شده و عده ایرانی هم زياد خواهد شد .

رئيس الوزراء

عایشه شاهانهای آقای رئیس اصل قانون سر باز گیری عمومی را متزلزل می کند .

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - اولاً بايد آقای ياسائی را توجه بندهم باینکه در بيشت همین تریبون اظهار کردند که من مسلماً تندم و ايکن در عمل بقدری استثناآت و صفوف ممتازه قائل شونم که در هيچ عصری حتی در درجه کيغسرو هم قائل نبوده اند خوب اگر بنا شود در قانون نظام اجباری اين همه استثناآت

قائل شويم آن وقت علی میماند و حوضش در مقام عمل ميفرمانند مسلک من تند است مسلک یعنی چه؟ مسلک همان عقیده است ولی اين مسلک يا عقیده در هر حال بايد عملي باشد بهر صورت برسيل کليت بنده عرض می کنم که همه اين ها نيکه از طبيب و غيره که فرمودند بايد سر باز باشد اما آمديم برس اظهاراتشان بنده کلمه بکلمه يادداشت کرده و جواب عرض می کنم راجع به مجاز مادر مملکت هستيم و نه اوضاع را ميدانيم و هر کدام يك رساله در توی بنامان داريم مقصود از مجاز یعنی کسیکه اجازه اجتهاد داشته باشد نه اين که خود بخود اجازه داشته باشد شما خودتان از طلاب هستيد و هم را ميدانيد کسی که اجازه طلاق دارد یعنی کسی که قصد انشاء داشته باشد و میتواند طلاق بدهد چيز غریبی فرموديد پس مراد از مجاز یعنی چه یعنی کسیکه اجازه اجتهاد داشته باشد اما راجع بحسن فرموديد ممکن است شيخ حسن بشود اين حرفها یعنی چه اين که فرموديد در فلان ده فلان زياد ممکن است برای فرار از خدمت نظامی عمامه سرش بگذارد و شيخ حسن بشود در شهر هم ممکن است يك کسی مثلا حسن علی ميرزا بشود و فرار کند مدت ها بود که مردم برای ابراز مقام عاليت عمامه سرشان ميگذاشتند حالا فکرمی بندند اين ديگر اين حرفها را نمی خواهد عمامه گذاشتن که نقص نیست

اما راجع به علم شرح فرموديد ملاحظه بفرمائيد معلمی که بايد در مدرسه بشاگرد ها درس بياموزد البته يك چنين معلمی بايد دارای اخلاق حسنه و مملکت پسندیده باشد تا بتواند شاگردان و اطفال را تربيت کرده و به حسن اخلاق پرورش دهد در اين صورت بنده معلم بيست و يك ساله عقیده ندارم زیرا واجد اين شرايط نیست معلم بايد روحيات شاگرد را بداند تا گفته او در متعلم اثر کند و شخص بيست و يك ساله هيچده ساله غير از تند خوئی و تجاوز کردن از حدود قانون چيز ديگری نمی تواند بتعلم بياموزد پس کسی که میخواهد معلم بشود قبل از معلم شدن اول دين خودش را بمملکت و بوطن ادا کند (چون در اوضاع اين بمنزله يك دينی است نسبت بمملکت) آن وقت برود معلم بشود و اين يك چيز تازه هم نیست - پس معلمی که در سن بيست و يك سالگی رفته و خدمت نظامی خودش را کرده و دين خودش را بمملکتش ادا کرده در سن بيست و پنج سالگی برود معلمی کند او بهتر ميتواند بشاگردان چيز ياد بدهد - اما راجع به طبيب يا اين نظری که مخصوصاً مادر محفوظ داشتن اصول معظالمصحه در نظر داريم و میخواهيم در همه جاد کتيرها را محدود کنیم تا هر کس نتواند به اسم دکتري بودن اسباب زحمت و هلاکت هزاران بی گناه را فراهم آورد اگر ما قائل شويم

که دکتري ها معاف باشند آن وقت با اين وضع حاضره که اکثر مردم خودشان را طبيب ميدانند ديگر کسی سر باز نخواهد داشت؟
در خصوص مستخدمين کشوری بنده از آن اشخاصی هستم که معتقدم مستخدمين کشوری و دولتی بايد برای نظام اجباری حاضر باشند و مشق نظام بکنند و اصول نظامی را خوب بدانند ما خودمان در مملکت عثمانی ديده ايم در موقع جنگ بين المللی تمام مستخدمين کشوری با لباس نظامی در پشت ميز ها نشسته بودند (در تمام دنيا همین طور است وقتی که اعلان نظام اجباری می کنند بايد همه مستخدمين کشوری داخل در نظام شوند تا در موقع شرف سلاح حاضر باشند.

اما راجع بقضات (گرچه تمام تمام مقصود قضات بود) بنظر بنده بايد تمام مستخدمين عدليه از قضات و غيره شامل اين قانون شوند چرا بخواهيد قضات را مستثنی بفرمائيد که ميگويد تمام ايراني ها مملکتند خدمت نظام اجباری بکنند بنا بر اين برای چه قضات و اجزاء عدليه مستثنی شوند و و بنا بر فرمايشی که آقای مدرس کردند که بنده جرات نمیکنم مخالفت کنم زیرا تکفير می شوم اين نظام اجباری در واقع حکم جهاد را دارد در اين صورت بچه لحاظ قضات عدليه از جهاد حکم الهی بايد مستثنی باشند اگر قاضی از حکم الهی تجاوز بکند حکمش قتل است خوب است ماهمه اين مرآت را در نظر بگيريم - اگر ماموق شويم که بياری خدا اين قانون را زودتر از مجلس بگذرانيم خیلی خوب و يکی از بهترين کار های دوره پنجم خواهد بود اگر مادر اين دوره پنجم هيچ کاری نکنيم و همین قانون نظام اجباری با قانون ميزری را بگذاشيم هيچ بهترين کارها خواهد بود و از اين جهت بنده عقیده منتمم که هر چه زودتر اين قانون بايد بگذرد

بنده بيش نهادی می کنم که بعد از ک ييش نمازان مساجد اضافه شود و مبلغين اسلام و وعظ دست غيب .

بنده بيش نهاد می کنم ماده دهم اين اصلاح شود ماده دهم حکام شرع ميلاز از مراجع تقليد يا فتوی و مدرسين مجاز برای تدريس علوم معقول و منقول و بيش نماز مساجد تا آخر صدر العلماء

تبصره ذيل را بيش نهاد می کنم اشخاصی که تبعيت ايران را قبول می کنند يك از سر بازي معاف خواهند بود ميرزا آقا خان - بنده بيش نهاد می کنم در ماده ۱۰ بعد از لفظ مدرسين دو کلمه درجات عالیه حذف شود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

اگر متولی نه مشمول ماده ۱۰ قانون سر بازي معاف باشد ديگر چرا بايد معاف مستثنی باشد و اين فلسفه ندارد

مخبر - ايراد اولی که آقای فرمودند البته شامل حال اماکن مهمه خواهد بود و اين مسئله در نظامنامه خود وزارت جنگ درست توضيح داده خواهد شد که شامل کدام بقاع متبر که خواهد بود در در اين جا چون نمی شود تمام مطالب را تصريح کرد از اين جهت در نظامنامه که وزارت جنگ ترتيب خواهد داد تصريح خواهد شد

رئيس آقای ياسائی (اجازه)

ياسائی بنده با اين ماده بکلی مخالفم و اين ماده را بکلی زايد استثناء را بی مورد ميدانم زیرا فردا هر کس که از يهلوی يك امام زاده عبور می کند میخواهد خودش را معاف کند در جاهائیکه حقا بايد معاف باشند آقایان اعتراض می کنند ولی در اين جا واقعا معنی ندارد که يك عده اشخاص بدون هيچ مجوزی معاف باشند آن عشره که فلان متولی از فلان بقعه می گيرد او را بدمه بديگری و خودش برود بخدمت نظامی ديگر دليل ندارد معاف باشند البته بيش نهاد می کنم که اين ماده بکلی حذف شود

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده هم متأسفانه با نظریه آقای ياسائی موافقم

مخبر - حذف اين ماده را بنده قبول می نمايم ماده ۱۰ حذف شود

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

بشود. رضا دامغانی

رئيس - آقای دامغانی (اجازه)

شرح بمتعداد دامغانی - بنده از نقطه نظر حفظ اصول ديانت که مستلزم اين است که علوم دينيه ترويج پيدا کند و از برای تعميل تشويق شده باشد معتقدم باینکه طلاب پس از اينکه امتحان دادند و تصديق شد باینکه طلبه هستند بايد اصلا معاف باشند و با يك نعت السلاح بودنشان بنده مخالفم ديگر باینکه اینجا نوشته است از متولی مدرسه و دو نفر مدرس تصديق داشته باشند

کليه اين فرض در مدارس است که دو يسه مدارس داشته باشد ولی خیلی از مدارس هست چه در مرکز و چه در ولايات که فقط يك مدرس دارد در اين صورت آن وقت بايد از يك نفر مدرس ديگر از کجا تصديق نامه بگيرد؟ عقیده بنده اين است که همان يك نفر مدرس کافی است و بعلاوه پس از اينکه طلاب امتحان دادند معلوم شد که حقیقه طلبه هستند و برای فراز سر بازي نیست اسماً بايد از خدمت سر بازي معاف باشند

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده در اين جا با هر دو قسمت بيانات آقا مخالفم برای اينکه ما حقیقه علاقه منديمان نسبت به اين مسئله بيشتر است و بيشتر ما متوجه هستيم به اينکه اين مسئله عموميت پيدا کند و اين کتاب جهادی که از بين رفته است زنده شود و طلاب مدارس هم باشوق زيادی متوجه اين قسمت هستند و اگر نظر شما به تشويق مدارس است بایه از راه ديگر تشويق کنید مثل آن پيشهادی که در دوره چهارم آقای تدین نسبت به مدارس قديمه کردند و دولت را توجه دادند به اصلاح مدارس قديمه اما نسبت بدو نفر مدرس که فرموديد

عرض می کنم که مسلماً هر مدرسه دو مرتبه دارد يك مرتبه مقدماتی و يك مرتبه مؤخراتی و هيچ مدرسه نیست که اين دو مرتبه را نداشته باشد در مدرسه يك مرتبه مقدماتی است که عبارتست از صرف و نحو و منطق و معانی و بيان و مرتبه مؤخراتی هم عبارتست از فقه و اصول و اگر طب بخوانند طب است

بنابراين در هر مدرسه دو مدرس دارد يکی مدرس مقدماتی و يکی مدرس مؤخراتی و هيچ مدرسه نیست که در آن جا علوم مقدماتی و مؤخراتی تدريس نشود و به علاوه تکليف فرع بر وجود است اگر مدرسه باشد که دو مدرس نداشته باشد و يکی داشته باشد البته در آن موقع يکی هم کفایت میکند

رئيس - آقای ياسائی

ياسائی - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم و مجال نکردم عرض کنم برای اينکه اگر ميخواهيم قشون داشته باشيم بايد استثناآت اين ملاحظاتی را که نسبت به بعضی اشخاص کرده است و برای احترامات بعضی مقامات اينطور مقرر داشته است بنده اينها را بر حسب ظاهر درست ميدانم ولی در باب بنده می - بينم آقایانی که طرفداری از آنها میکنند بر عليه آنها حرف ميزنيد زیرا منی حقیقی معصل اين نیست که نظام نهمند و معنای ملا اين نیست که نظام ننداند

هيچيك اين ها با نظام منافات ندارد و بنده سالهای سال بود که تقاضا آرزو ميکردم که اين قانون بيايد به مجلس و اين از بهترين و قوانين است

زیرا قانونی است که يك مملکت مرده را ميتواند زنده کند و بنده امروز اين عقیده را پيدا نکردم ام بلکه هفتده سال است که اين عقیده را برای خود اتخاذ کرده ام محل بايد درس بيست و يکسالگی داخل خدمت نظام شود و اينها هيچ هم که تايست و يکسالگی ديلم نگرفته اند به نظر منی آيد که ديگر قابل ولايق از برای گرفتن ديلم باشند

حالا ممکن است اين موفق نشدن بگرفتن ديلم بواسطه ترتيبات دخول و خروج بدمرسه بوده است که در اين بين يك وقفه هائی پيدا شده است که نتوانسته است ديلم بگيرد

حالا آمده اند گفته اند محصلين اگر ديلم داشته باشند يا نيمه تعميلشان باقی مانده باشد از خدمت سر بازي معاف هستند بنده عقیده دارم که بايد استثناآت خارج شود و معصل هر کس ميخواهد باشد بایه دو سال خدمت نظاميش را عمل کند مثل اينکه دو سال در مدرسه دارالعلوم تعميل میکند ز هيچ فرق نمیکند و بنده معتقدم که بايد تمام ايرانها دو سال تحت السلاح باشند

مخبر - اينجا از ايراني که آقایان محترم فرمودند معلوم شد که يك افکاري ضد و نقیض يکديگر هست

آقای دامغانی و آقای ياسائی اينجا يك افکاري را اظهار داشتند که ضد و نقیض يکديگر بود

در اين جا نسبت به علوم دينيه هيچ استثنائی نشده است

مثلا آن طلابی که در نجف و در جا های خارج از ايران تعميل میکنند شامل اين ماده هستند منتهی يك اشخاصی که مشغولند بتعميلات خیلی عالی مثل طب و مثل قضاوت اينها در حین اينکه مشغول بتعميل هستند

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

آقا سيد يعقوب - بنده مخالف بودم ولی با اصلاحی که آقای مخبر کردند موافق شدم

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب (اجازه)

چطور میتوانند يك مدتی وقت خودشان را تلف کنند برای اینکه باید بر کز و مجدداً مراجعت کنند؟ و علاوه بر کز و مجدداً مراجعت کنند؟ و علاوه بر کز و مجدداً مراجعت کنند؟ و علاوه بر کز و مجدداً مراجعت کنند؟

دارند نظر شوروی است نه نظر مخالفی • مثل ماده قبل که بنده هم مخالف بودم و همینطور بعضی از آقایان هم مخالف بودند و بالاخره آقای مدرس فرمودند که باید مساوی باشد.

قضیه نظام اجباری مسلم است و بنده عقیدم این است که هر ایرانی وطن خواه مسلمانی باید عقیده اش این باشد که قانون نظام اجباری در ایران حریان پیدا کند.

حالا بعضی اصلاحات لازم دارد از قبیل اینکه در این ماده يك امتیازی گذارده شده در حالی که افتخار و امتیاز مال آن کسی است که در تحت اصلاح می رود.

شخص بنده امتیاز و امتیاز را در این می دانم که برای عال اسلام و مملکت خدمت نمایم ولی بعضی از آقایان يك نظریاتی دارند و بعضی از آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است و مقصود از این نظریات اصلاحات عبارتی است

در ماده چهارده میگوید: شاگردان فارغ التحصیل مدارس متوسطه که دارای تصدیق نامه رسمی دیپلم باشند در صورتیکه بن سن هیجده بالغ شوند می توانند بدون قرعه داوطلبانه داخل خدمت تحت السلاح بشوند.

این جا میگوید ماده در صورتیکه خود شما در قانون نوشته این در سن بیست و يك سالگی

این جا در صورت اختیار است ولی آن جا در صورت اجبار است (همچون بن نمایندگان)

آقایان خوبست صبر کنند و بفرمائید آقای تدین بنده منبر را بروم بعد از آقایان دیگر خواستند منبر بروند علت این که نظام اجباری را بیست و يك سال قرار داده اند آقایان اعضاء کمیسیون (بنده هم مخالف بودم و عقیده ام این بود که هیجده سال بنوزده سال باشد) برای این بود که دلیل و منطقی شان این بود که هیجده ساله قابل از برای نظام نیست باید بیست و يك سال باشد بنده عرض میکنم اگر دلیل همین است که بیست و يك ساله باید داخل شود پس هیجده ساله را نباید آورد داخل نظام کرد و اینکه میفرمایند بیست و يك سالگی اجباری است و در هیجده سالگی اختیاری این را بنده ملتفت نشدم

اگر سن هیجده ساله می تواند از عهده خدمت نظام بر آید همان جا راهم باید هیجده سال قرار بدهند و اگر نمی توانند این جا راهم باید مثل آنجا قرار بدهند

وزیر فرائد عامه - هیجده ساله تحصیل کرده غیر از بیست و يك ساله تحصیل نکرده است

اساساً هر فرد از افراد ایرانی وقتی که بن سن هیجده سال رسید در آن سن

رئیس - آقای دامغانی
دامغانی - عرضی ندارم
رئیس - آقای یاسائی
یاسائی - عرضی ندارم
آقای سید یعقوب - بنده مخالفم
رئیس - نوشته اید موافق هستم
آقای سید یعقوب - در این ماده مخالفم
رئیس - آقای دستغیب
دستغیب - همه آقایان سابقه دارند که روح مجلس با نظام اجباری کاملاً موافق است و يك نفر از نمایندگان حتی بعضی از اشخاصی که در بعضی موارد نظریاتی

هنوز زود است داخل خدمت سر بازی شود ولی پس از آنکه کسی مدرسه متوسطه را تمام کرد البته او يك مزایای نسبت به آن اشخاصی که تحصیلات متوسطه را تمام کرده اند دارد و علاوه در همان حالی که خدمت نظامی واجب و لازم است ملاحظه افراد این مملکت را هم باید کرد.

يك کسی مدرسه متوسطه را تمام کرده حالا چنانکه تا بن سن بیست و يك سالگی برسد؟

اگر برود دنبال تحصیلات عالی که از هیجده سال تا بیست و يك سالگی برای او این مدت کافی نیست

ناچار است یاد بناله تحصیلاتش را قطع کند و با اینکه او را معاف میکنند و به این جهت میگویند کسی که مدرسه را تمام کرد این شخص داوطلبانه می تواند قبول خدمت نظامی را بنماید چرا؟

برای این که میخواهد بعد زنگ گانی خودش را مرتب کند و برای تشویق بین آن کس که تحصیلاتی کرده است و آن کسی که نکرده آمده اند مدت خدمت او را يك سال قرار داده اند و بعد از آنهم می رود دنبال تحصیلات خودش و این یکی از مواد خوب این قانون است و در تمام جاهائی که قانون نظام اجباری دارند این ماده را پیش پیش بینی کرده اند جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - پیش نهادها قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیش نهاد آقای اشکر - بنده پیش نهاد میکنم ماده ۱۴ اینطور اصلاح شود طلب و شاگردان فارغ التحصیل مدارس که الخ پیش نهاد آقای آقاسید یعقوب - بنده پیش نهاد میکنم که ماده ۱۴ حذف شود

رئیس - (بشرح آتی قرائت شد)

ماده بنزده - اشخاص معلولی که اساساً از خدمت سر بازی معافند از قرار ذیل میباشد

۱ - نابینایان از چشم راست
ب - قوزی
ج - کر
د - لال
ه - شل و چلاق
اشخاص دیگری که ضعیف البته یا مریض باشند جزو قرعه محسوب میشوند و معافیت مطلق یا موقت آنها بتصدیق اطباء نظام خواهد بود

ولی معافین موقت بخرج دولت معالجه خواهند شد.

وزیر فرائد عامه - در این ماده يك اصلاح عبارتی مختصری شده است.

عرض نابینایان از چشم راست باید نوشته شود

نابینایان از يك یا دو چشم اعصاب از اینکه

مرد یازنی که سنش بهفتاد رسیده باشد این غلط است باید نوشته شود

هر مرد یازنی که عاجز باشد از اداره اموزنده گانیش و پسرش متکفل مخارج او باشد

زیرا ممکن است زن بنجاه ساله باشد که عاجز از اداره کردن مخارج خودش باشد و اگر این لفظ سن هفتاد برداشته شود بنده هم موافقم

مخبر - پیش نهاد کنید در کمیسیون مذاکره می شود

رئیس - ماده ۱۷ قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هفدهم - هر مرد یازنی که يك پسرش تحت السلاح باشد و پسر دیگر او بن سن سر بازی برسد مادام که پسر اول از خدمت تحت السلاح فارغ نشده یا سیم او بن سن هیجده نرسیده پسر دوم از سر بازی معاف است.

رئیس - آقای یاسائی
یاسائی - عرض ندارم
رئیس - آقای دستغیب
دستغیب - (اجازه)

رئیس - آقای طهرانى
آقای شیخ محمدعلی - عرضی ندارم
رئیس - آقای مساوات مخالفند؟
مساوات - بلی بنده فرق نمی گذارم بین اینکه يك پسر یاد و پسر داشته باشد وقتی که بن سن سر بازی رسیده باید قرعه بنام آنها کشیده شود مگر اینکه زن عاجز باشد از اداره کردن زند گانیش آن وقت ماده شانزده تکلیف او را معین کرده است و حکمش در آنجا شده است

رئیس - آقای آقاسید یعقوب
آقاسید یعقوب - بنده مخالفت آقای مساوات را نفهمیدم از چه نقطه نظر است اینجا اشخاصیکه رسیده اند بن سن سر بازی می آیند از میان آنها قرعه میکشند يك کسی سه پسر دارد يك پسرش بن سن هیجده سال نرسیده است يك پسرش هم رفته است تحت السلاح باید يك نفری باشد که امور خانه را اداره نماید و کفالت مخارج خانه را بکند؟

مافانوس سر باز گیری عمومی را که میتوسیم برای محفوظ بودن خانواده ها است شما میفرمائید هم برونند چنگ آن وقت کار این بیچاره را کی میکند؟ اگر این يك پسر هم برود چنگ که مادرش از کرسنگی می رود

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس - ماده هیجده
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هیجدهم - هر مرد یازنی که يك پسرش در خدمت نظامی وفات کرده و

پسر دیگرش بن سن سر بازی رسیده مادام که پسر دیگر بن سن هیجده نرسد آن پسر از خدمت سر بازی معاف است

رئیس - مخالفی دارد؟
جمعی از نمایندگان - خیر.

رئیس - ماده نوزده
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده نوزدهم - هر زن بیوه که يك پسرش بن سن سر بازی رسیده و غیر از او پسر سالمی که قادر بکفالتش باشد ندارد مادام که این وضعیت باقی است آن پسر از خدمت سر بازی معاف است.

رئیس - آقای دامغانی
دامغانی - (اجازه)

رئیس - (حاضر نشده بودند)
رئیس - آقای یاسائی
یاسائی - عرضی ندارم
جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد
رئیس - آقای مساوات
مساوات - (اجازه)

مساوات - بنده عقیده ام این است این ماده را با ماده شانزده باید در تحت يك ماده نوشت.

رئیس - ماده بیست
(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده بیستم - هر جوانیکه بن سن سر بازی رسیده و مدیر يك خانواده است و در آن محل از پدر زن و یا برادر زنی که بن سن بیست و پنج رسیده باشد ندارد مادام که حال بدین متوال است از خدمت سر بازی معاف است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.
رئیس - مخالفی ندارد؟
جمعی از نمایندگان - خیر.

رئیس - پیش نهاد آقای میرزا یدالله خان
(بمعنی ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم در ماده ۲۲ در آخر سطر اول بعد از کلمه معیشت اضافه شود.

عبدال و اطفال خود . الخ
رئیس - ماده ۲۳
(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۲۳ - هر گاه در مجلس بنویسند و يك نفر قرعه اصابت نماید هر يك را که پدر معین کند تحت السلاح رفته و آن دیگری بدوسال بعد تعلیق می شود.

و هر گاه قرعه بیکي از دو پسر يك نفر که در يك سال بن سن سر بازی رسیده اند اصابت نماید پدر میتواند پسر دیگر را بشرط رضایت او بجای آن يك که قرعه بنام او اصابت کرده پسر بازی روانه سازد.

رئیس - مخالفی ندارد؟
یاسائی - بنده مخالفم.
رئیس - بفرمائید.
یاسائی - مخالفت بنده از این نقطه نظر است که این لفظ تعلیق این جا درست معنی نمیدهد.

نوشته است هر گاه در مجلس قرعه

پسر دیگرش بن سن سر بازی رسیده مادام که پسر دیگر بن سن هیجده نرسد آن پسر از خدمت سر بازی معاف است

رئیس - آقای آقاسید یعقوب
آقاسید یعقوب - اینجا آقایان قدری توجه بفرمائید شایعاً عرض بنده در کمیسیون محل توجه واقع بشود اینجا نوشته است:

هر جوانی که بن سن سر بازی رسیده و وصی یا قیم یتیمی باشد که به غیر از او برای اداره امور آن یتیم شخص دیگری نباشد وصی اداره امور در دستش نیست قيم اداره امور در دستش است کسیکه وصی در اموال است نه وصی در امور باید تعیین شود که قيم در اداره امور باید مستثنی باشد نه اینکه وصی مطلق مستثنی باشد.

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین
آقای آقا میرزا شهاب الدین - (اجازه)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟
بعضی از نمایندگان - بلی کافیت؟
رئیس - ماده ۲۲
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده (۲۲) هر جوانی که بن سن سر بازی رسیده منحصر آ کفیل معیشت جد یا جدید یا علیل از کار افتاده خود باشد مادام که حال بدین متوال است از خدمت سر بازی معاف است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.
رئیس - مخالفی ندارد؟
جمعی از نمایندگان - خیر.

رئیس - پیش نهاد آقای میرزا یدالله خان
(بمعنی ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم در ماده ۲۲ در آخر سطر اول بعد از کلمه معیشت اضافه شود.

عبدال و اطفال خود . الخ
رئیس - ماده ۲۳
(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۲۳ - هر گاه در مجلس بنویسند و يك نفر قرعه اصابت نماید هر يك را که پدر معین کند تحت السلاح رفته و آن دیگری بدوسال بعد تعلیق می شود.

و هر گاه قرعه بیکي از دو پسر يك نفر که در يك سال بن سن سر بازی رسیده اند اصابت نماید پدر میتواند پسر دیگر را بشرط رضایت او بجای آن يك که قرعه بنام او اصابت کرده پسر بازی روانه سازد.

رئیس - مخالفی ندارد؟
یاسائی - بنده مخالفم.
رئیس - بفرمائید.
یاسائی - مخالفت بنده از این نقطه نظر است که این لفظ تعلیق این جا درست معنی نمیدهد.

نوشته است هر گاه در مجلس قرعه

بدو پسر بکنفر قرعه اصابت نماید هر يك را که پدر معین کند تحت السلاح رفته آن دیگری بدو سال بعد تعلیق می شود.

اساساً گفته شد اینجا که اشخاصی که سنشان به بیست و يك سالگی رسید آنها باید داخل خدمت نظامی بشوند با اینطور که افراد را به حکم قرعه از میان آنها انتخاب میکنند ولی تکلیف بعد از این مدت را قانون معین نکرده اگر فرضاً در يك حوزه سر بازی گیری بیست نفر سر باز ملازم داریم بگیریم و صد نفرشان بن سن بیست و يك سالگی رسیده باشند قرعه کشیدند بیست نفر آنها استخراج شده بعد شتاد نفرشان معاف میشوند.

و آنوقت در دفعه دوم یعنی دوسال بعد هم می آیم باز قرعه میکشیم و ده نفر از میان آنها استخراج میکنیم و باز هفتاد نفر از آنها معاف می شوند و همینطور سال بعد اگر مقصود این است که هر سال این عده را جلب کنیم و درسی و پنج سالگی هم آنها را بیابوریم و داخل نظام شوند که بنده مخالفم

زیرا اینجا گفته شد که در بیست و يك سالگی اگر قرعه کشیدند و بنام آنها اصابت نکرد دیگر معافند.

باید آنها را رها کنند بروند و در سال بعد يك عده اشخاص بیست و يك ساله دیگری را بیابورند و از میانشان انتخاب کنند.

ولی این جا میگوید:

بدوسال بعد تعلیق میشود و این مفهومش این است که اگر در سال بعد باز قرعه بنامش در نیامد بدوسال دیگر که چهار سال بعد باشد معلق می شود و همینطور دو سال بدوسال بالا می رود تا سن خدمت تمام شود.

بنا بر این بنده عقیده ام این است که اینجا باید تصریح شود که بعد از آنکه اشخاصیکه در سن بیست و يك سالگی معاف شدند فقط دهه دوم باید برای قرعه دعوت شوند و یا اینکه همین طور تا سن چهل و پنج سالگی هم هر سال قرعه میکشند آنها را هم می آورند و یا اینکه همان دفعه اول که اسمشان در قرعه در نیامد معافند و سال بعد باید يك عده بیست و يك ساله های دیگری را بیابورند.

علی ای حال این لفظ تعلیق ابهام دارد.

مخبر - تصور میکنم آقا مختصر اشتباهی کرده اند.

اینجا مقصود اینست که اگر کسی دو پسر دارد هر دو پسرش با هم نروند خدمت سر بازی در سال اول اگر يك پسرش رفت دوسال دیگر آن پسر دیگر اگر قرعه بنامش در آمد سر باز است و اگر در نیامد می آید مشمول ماده شش میشود

رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمدعلی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای دستغیب
دستغیب - عرضی ندارم

رئیس - آقای سرکشیک زاده
سرکشیک زاده - عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی
(اجازه)
روحی - بنده با قسمت اول این ماده

نداشت
چه عیبی دارد رای پدر را مرجع قرار بدهیم.
فرضاً قرعه با اسم حسن در آمده است ولی حسن نمیخواهد برود و حسین را رضی کرد است برود این چه اشکالی دارد که حسین را بجای حسن بفرستد و این ماده بنظر من خیلی خوب آمده است بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

هر چه که صلاح می دانند قرعه تجدید می شود و پس از یکی دوم تر تعامف میشوند والا این ترتیب معنایش این است که دو سال بدوسال قرعه میکشند تا قرعه بنام آنها اصابت کند.
وزیر فواید عامه - اصلا تمام این موادی که نوشته شده است به معنی بیک اصلاحات عبارتی است که فردا شاید در کمیسیون نظام اصلاح شود تصدیق میکنم عبارت بک قدری مجمل و مبهم است و مقصود را درست و صراحت نمیشود فهماند

رئیس - ماده بیست و چهارم
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده ۲۴ - هر گاه شخصی در یک قرعه سر باز گیری زیاده از دوسال داشته که داخل سنین سر بازی باشد و فقط بیک سرش قرعه اصابت کند همان پسر را اگر بدویسرش قرعه اصابت نماید هر دورا اگر بزباده از دو پسر اصابت نماید باز دویسرش بخدمت سر بازی گرفته شده و بقیه قرعه دوسال بعد مجول خواهد شد اگر از آن چند پسر یکی قبلا در خدمت سر بازی بوده و در آن سال بدویسر دیگری قرعه اصابت نماید فقط یکی از آنها سر بازی داخل خواهد شد

رئیس - مخالفی دارد؟
(جمعی از نمایندگان گفتند: خیر)
دامغانی - یک واو زیادی است (و بخدمت) باید (بخدمت باشد)
رئیس - ماده ۲۶ (اینطور قرائت شد)
ماده (۲۶) - اشخاصیکه در سن سر بازی بخواهند داخل خدمات دولتی یا اجتماعی یا مشاغل آزادی که مستلزم اجازه رسمی دولت است بشوند باید تصدیق (سند) انجام خدمت تحت السلاح یا عدم اصابت قرعه را در دست داشته باشند.

ولی برای اینکه هر ماده مستلزم به مخالفت نشود بنده اصل جریان مطلب را عرض خواهم کرد و بر روی این جریان هم اصلاح خواهد شد.
دراول بیست و یکسالگی هر کس در حدود احتیاجات دولت برای سر بازی حاضر می شود و اسامی آنها را دولت تعیین میکند آنوقت عدتها که دولت بآنها احتیاج دارد آنرا هم تعیین میکند بعد از آنکه مستثنیاتی که قانون معین کرده است از مجموع همه جوانها استغناء کردند بقیه که میمانند ممکن است زیاده از احتیاجات دولت باشد آن وقت به حکم قرعه عدده لازم از میان آنها معین می شوند و تحت سلاح میروند و عدده هم که قرعه بنام آنها اصابت نکرده معاف می شوند و آن عدده که معاف شده اند تکلیفشان چیست؟

بنده عقیده ام اینست که بهر کس که قرعه اصابت کرد با اختیار خود او باشد و اگر بین طرفین طرازی بعمل آمد برود و حق بدوسال باشد.
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

ولی برای اینکه هر ماده مستلزم به مخالفت نشود بنده اصل جریان مطلب را عرض خواهم کرد و بر روی این جریان هم اصلاح خواهد شد.
دراول بیست و یکسالگی هر کس در حدود احتیاجات دولت برای سر بازی حاضر می شود و اسامی آنها را دولت تعیین میکند آنوقت عدتها که دولت بآنها احتیاج دارد آنرا هم تعیین میکند بعد از آنکه مستثنیاتی که قانون معین کرده است از مجموع همه جوانها استغناء کردند بقیه که میمانند ممکن است زیاده از احتیاجات دولت باشد آن وقت به حکم قرعه عدده لازم از میان آنها معین می شوند و تحت سلاح میروند و عدده هم که قرعه بنام آنها اصابت نکرده معاف می شوند و آن عدده که معاف شده اند تکلیفشان چیست؟

تکلیف آنها این است که دو سال دیگر هم باید حاضر شوند برای قرعه و آنها هم باز وارد میشوند در جزء جوانها یکبارگی دارای شرایط سر بازی هستند و باید با اسم آن ها قرعه کشید اگر در دو سال بعد هم قرعه بنام آنها اصابت نکرد دیگر به آنها هیچکس کاری ندارد.
میروند جزء ذخیره مقدم و مؤخرو مطلقاً آزاد هستند این خلاصه جریان کار است یعنی هر کس که بیست و یکسال دارد و قانوناً هم نباید مستثنی باشد اگر در مجلس قرعه بنام او اصابت نکند می رود و در اول بیست و سه سالگی حاضر میشود.
اگر در آن دوره هم قرعه بنام او اصابت نکرد دیگر در مجلس قرعه حاضر نخواهند شد.

آقا سید یعقوب - بنده ناچارم هم جواب آقای یاسائی را عرض کنم گمان میکنم آقای مجبور در دست جواب ندادند.
و هم جواب آقای روحی را.
فرمایش آقای روحی این بود که میفرمایند هر گاه در مجلس قرعه بدویسر یک نفر اصابت نماید.
یعنی اگر قرعه کشیدند هر دو اسمشان در آمد نه یکی پس در این صورت تکلیف نظام بهر دو وارد است

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
شریعتمدار دامغانی - عرضی ندارم
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - بنظر بنده تا این موضوع حل نشود و با صراحت در این قانون نوشته نشود بنده باید مخالفت کنم تا قضیه حل شود.
در این ماده باز تکرار شده است که بقیه قرعه دوسال بعد مجول خواهد شد دو سال بدوسال قرعه میکشند و اشخاصی که در دوره های قبل در قرعه داخل بوده اند و قرعه بنام آنها اصابت نکرد مجدداً در این قرعه اسامی آنها باید بیاید در این وقت از سن بیست و یکسالگی هی سال بسال آن اشخاص را بیآورند برای قرعه تا چهل و پنج سالگی.

ماده (۲۷) - اشخاصی که بخواهند داخل خدمت نظمی یا امنیه بشوند باید خدمت دوره کامل تحت السلاح را (دوسال) تمام کرده و تصدیق نامه حسن اخلاق و صحت عمل را در دست داشته باشند.
رئیس - ایرادی دارد؟
بعضی از نمایندگان - خیر.
رئیس - ماده بیست و هشت (باین ترتیب قرائت شد)
ماده (۲۸) - اشخاصی که بزباده از دوسال حبس جزائی محکوم شده یا از حقوق مدنی موقتاً محروم گردیده و قرعه به اسمشان اصابت نماید در تمام سنین سر بازی از حمل اسلحه محروم و در مواقع خدمت تحت نظر مأمورین مخصوص به خدمات عملی نظام گماشته میشوند.
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یعنی آن عدده را که دولت معین کرده است یا زده هزار نفر است بر حسب تجهیزات که وزارت جنگ معین میکند آنوقت قرعه میکشند در این ناحیه با اسم هر دو قرعه در آمده و یک نفرش بیشتر لازم نیست یک نفر دیگر چون قرعه اسمش را گرفته است برای دوسال بعد باید باشد.
اما اینکه آقای روحی فرمودند اختیار پدر شرط نیست و بالغ شده و باید پدر را بکلی کنار بگذاریم

پس قرعه نه شامل بیست و چهار ساله می شود و نه بیست و پنج ساله و این شخص بکلی آزاد است و جزء ذخیره مقدم میشود و بعد هم جزء ذخیره تالی محسوب میشود.
این است جریان امر و چون در این مواد این مسائل روشن ذکر نشده و بنده هم تصدیق دارم زیاد محتاج بمخالفت نیست و در کمیسیون اصلاح خواهد شد.
اینها اصلاح عبارتی است و برای شورتانی اینها را اصلاح خواهیم نمود و بنده ای را عرض کردم برای اینکه محتاج بتکرار مخالفت نباشد.

ماده (۲۹) - کلیه اشخاصیکه جهت فرار از دخول در خدمت سر بازی یکی از اعضای خود را ناقص نمایند در صورت ثبوت بدون قرعه برای تمام مدت خدمت نظامی سر بازی جلب میشوند.
رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
دامغانی - کسیکه یکی از اعضای خودش را ناقص بکند که منافات با سر بازی نداشته باشد جهتی ندارد که او را محکوم کنند یک قانون جزائی که نوشته شد از برای مجرمین حد عالی جزای آن مجرم را محکمه ناچار است اعلام کند پس از اینکه آن شخص که محکوم بیک جزائی است مراتب جزائی خودش را پیوسته مثل سایر مردم میشود و الا باید شما همیشه یک مواد جزائی در قوانین دیگر وضع بکنید راجع بیک مجرمی که مجازات آن مجرم در قوانین جزائی معلوم شده مثلاً اگر کسی بدوسال حبس محکوم شده و دوسال هم حبس شده وقتی که بیرون آمد با سایر افراد چه فرق دارد؟ شاید نظر آقای این باشد که اوضاع مجلس مادر ایران خوب نیست و اخلاق ها را بدتر میکند. اگر ما بتوانیم مجلس خودمان را مثل امریکا قرار دهیم و معنای تبه بکنیم که آنها را

اینکه محکوم شده باشد به محروم بودن از حقوق مدنی و اگر احیاناً محکمه رای داده است که مثلاً این شخص باید از حقوق مدنی محروم باشد آنوقت این هم مدت دارد ممکن است محکمه رای داده باشد که این شخص سه سال از حقوق مدنی محروم شده باشد و مطابق با این ماده او را بخدمت سر بازی بپذیرند در صورتیکه پس از آنکه مدت حبس یا مدت محرومیتش از حقوق مدنی منقضی شد او هم مثل سایر مردم است و این مجازات ثانوی است که برای او قائل میشویم بنا بر این بنده با این ماده مخالفم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای یاسائی خوبست راجع باین شخص دو نظر کنند یکی اینکه چون ما میخواهیم نظام دارای یک مقام عالی باشد این شخص که محکوم شده مشار بدان است و منظور است و در واقع این قانون را برای این می نویسیم که تعزیت اخلاق شود و مردم کمتر جنایت کنند و محکوم نشوند و قتیکه اطلاع پیدا کرد که اگر جنایتی بکند محکوم به حکم جزائی میشود بخدمت نظام هم قبول نمیشود و مقام عالی نمیرسد البته جنایت نمیکند.
مایک قانونی وضع کرده ایم برای نصبه اخلاق
دیگر آنکه راجع بمقامات نظامی ما میخواهیم نظام را خیلی محترم و معتمد نگاهداریم که همه مردم از روی میل و رغبت داخل شوند اگر بنا شود هر محکوم بنزدی.
هر محکوم بجنایتی بیاید در آنجائی که بنده دیگری هم هستیم این چه خواهد شد؟ باید در مراتب یاقین تری باشد یا در طباشی یا در اصطلیل و از این قبیلها بنا بر این گمان میکنم این ماده عیبی ندارد
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمدعلی طهرانی - بنده تعجب میکنم از مدافعات آقای آقا سید یعقوب یک قانون جزائی که نوشته شد از برای مجرمین حد عالی جزای آن مجرم را محکمه ناچار است اعلام کند پس از اینکه آن شخص که محکوم بیک جزائی است مراتب جزائی خودش را پیوسته مثل سایر مردم میشود و الا باید شما همیشه یک مواد جزائی در قوانین دیگر وضع بکنید راجع بیک مجرمی که مجازات آن مجرم در قوانین جزائی معلوم شده مثلاً اگر کسی بدوسال حبس محکوم شده و دوسال هم حبس شده وقتی که بیرون آمد با سایر افراد چه فرق دارد؟ شاید نظر آقای این باشد که اوضاع مجلس مادر ایران خوب نیست و اخلاق ها را بدتر میکند. اگر ما بتوانیم مجلس خودمان را مثل امریکا قرار دهیم و معنای تبه بکنیم که آنها را

تهدیب اخلاق تعلیم کند با سایرین چه فرقی دارند؟ والا قتیکه قانون حکم کرد کسی دو سال حبس شود یا محکوم شود باینکه یک مدت معینی بطور موقت محروم از حقوق مدنی باشد جهت ندارد که در جامعه سر بازی با سایرین فرق داشته باشد همیشه توری خور باشد.
وزیر فواید عامه - در همان حالیکه بنده تصدیق میکنم که این ماده محتاج بیک اصلاحاتی است مخصوصاً در قسمت اخیر این ماده تحت نظر مأمورین مخصوص باید حذف شود و قسمت دیگر ماده هم باید اصلاح شود در همان حال نمیتوان منکر شد.
راست است از یک نقطه نظر اجرای وظیفه است
ولی در عین حال این یک وظیفه است که مستلزم شرافتمندی هم هست و بهر دستی نمی شود داد
پس بنا بر این در ضمن اجرای وظیفه میگوئیم آن دست هائیکه تا اندازه یاک هستند با آنها اسلحه میدهیم و به آن دست هائیکه قدری آلوده هستند با آن دستها سلاح ندهد و آنها را بخدمت دیگری مشغول میکنیم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

اینکه ما گفتیم کسیکه برای فرار از قرعه دستش را قطع کند یا چشمش را کور کند یا پایش را لنگ کند یا کار دیگری بکند باز هم می بردند در نظام و تا آخر دوره سر بازی هم میمانند دیگر این کار را نمیتواند بنظر بنده این ماده اشکالی ندارد.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده از اعضاء محترم کمیسیون می خواستم سؤال کنم که در دوره چهارم معمول بود که بعضی از مواد که اجازه میگردند و اجازه هم از دوره پیشتر داده نمیشد این دوره خیلی سهلوت بخرج میدهند
اولا اجازه ها از دو ماه تجاوز کرده و سه ماه و چهار ماه و حالا اینک باطیاره در مدت دو ساعت از رشت ب طهران میآیند و راهها بکلی متصل شده است بهم باز می گویند راه بند است
اینست که بنده تقاضا میکنم که اگر اجازه داده میشود حقوقشان را بکتابخانه بدهند
رئیس - آقایانی که مرخصی بیست روزه آقای سیددار را تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
رأیرت راجع بر در خصی آقای نجات
شرح ذیل قرائت شد
آقای نجات نماینده محترم سه ماه مرخصی تقاضا کرده اند نظر باینکه دلیل موجهی بر لزوم این تقاضا موجود نبود و نظر باین که کثرت تقاضای غیبت از طرف نمایندگان محترم اکثریت مجلس مقدس را تهدید می نماید کمیسیون تصویب ننمود
رئیس - آقای نجات (اجازه)
نجات - اگر چه بنده نمیخواهم وقت مجلس را صرف این قبیل مشاغل بکنم ولی نمیدانم علت اینکه کمیسیون مرخصی فقط بنده را استثنا کرده چیست در صورتیکه خود آقای ملک التجار خوب اطلاع دارند کارهای بنده در خراسان بکلی مختل است و مجبورم بعد از چندین سال که در مجلس شورای ملی بوده ام یک اجازه تحصیل کنم و بروم.
رئیس - رأی می گیریم بر رأیرت آقایانی که مفاد خبر کمیسیون را تصویب میکنند قیام فرمایند.
(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - رأیرت تصویب تشه

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام اینست که بهر کس که قرعه اصابت کرد با اختیار خود او باشد و اگر بین طرفین طرازی بعمل آمد برود و حق بدوسال باشد.
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده ناچارم هم جواب آقای یاسائی را عرض کنم گمان میکنم آقای مجبور در دست جواب ندادند.
و هم جواب آقای روحی را.
فرمایش آقای روحی این بود که میفرمایند هر گاه در مجلس قرعه بدویسر یک نفر اصابت نماید.
یعنی اگر قرعه کشیدند هر دو اسمشان در آمد نه یکی پس در این صورت تکلیف نظام بهر دو وارد است
یعنی آن عدده را که دولت معین کرده است یا زده هزار نفر است بر حسب تجهیزات که وزارت جنگ معین میکند آنوقت قرعه میکشند در این ناحیه با اسم هر دو قرعه در آمده و یک نفرش بیشتر لازم نیست یک نفر دیگر چون قرعه اسمش را گرفته است برای دوسال بعد باید باشد.
اما اینکه آقای روحی فرمودند اختیار پدر شرط نیست و بالغ شده و باید پدر را بکلی کنار بگذاریم
بنده جواباً عرض میکنم که ما هنوز آفتقدار هر رنگی ما ب نشده ایم که احترامات پدر را فوری کنار بگذاریم.
البته احترامات و نظریات پدر باید ملاحظه شود و البته مصلحت خانواده را پدر بهتر میدانند باید رجوع بپدر کنند هر طور پدر معین کرد آنطور بکنند
چون قتیکه بنشیند ایند نفر تحت سلاح بروند و یک نفر را بیشتر دولت لازم

تهدیب اخلاق تعلیم کند با سایرین چه فرقی دارند؟ والا قتیکه قانون حکم کرد کسی دو سال حبس شود یا محکوم شود باینکه یک مدت معینی بطور موقت محروم از حقوق مدنی باشد جهت ندارد که در جامعه سر بازی با سایرین فرق داشته باشد همیشه توری خور باشد.
وزیر فواید عامه - در همان حالیکه بنده تصدیق میکنم که این ماده محتاج بیک اصلاحاتی است مخصوصاً در قسمت اخیر این ماده تحت نظر مأمورین مخصوص باید حذف شود و قسمت دیگر ماده هم باید اصلاح شود در همان حال نمیتوان منکر شد.
راست است از یک نقطه نظر اجرای وظیفه است
ولی در عین حال این یک وظیفه است که مستلزم شرافتمندی هم هست و بهر دستی نمی شود داد
پس بنا بر این در ضمن اجرای وظیفه میگوئیم آن دست هائیکه تا اندازه یاک هستند با آنها اسلحه میدهیم و به آن دست هائیکه قدری آلوده هستند با آن دستها سلاح ندهد و آنها را بخدمت دیگری مشغول میکنیم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

تهدیب اخلاق تعلیم کند با سایرین چه فرقی دارند؟ والا قتیکه قانون حکم کرد کسی دو سال حبس شود یا محکوم شود باینکه یک مدت معینی بطور موقت محروم از حقوق مدنی باشد جهت ندارد که در جامعه سر بازی با سایرین فرق داشته باشد همیشه توری خور باشد.
وزیر فواید عامه - در همان حالیکه بنده تصدیق میکنم که این ماده محتاج بیک اصلاحاتی است مخصوصاً در قسمت اخیر این ماده تحت نظر مأمورین مخصوص باید حذف شود و قسمت دیگر ماده هم باید اصلاح شود در همان حال نمیتوان منکر شد.
راست است از یک نقطه نظر اجرای وظیفه است
ولی در عین حال این یک وظیفه است که مستلزم شرافتمندی هم هست و بهر دستی نمی شود داد
پس بنا بر این در ضمن اجرای وظیفه میگوئیم آن دست هائیکه تا اندازه یاک هستند با آنها اسلحه میدهیم و به آن دست هائیکه قدری آلوده هستند با آن دستها سلاح ندهد و آنها را بخدمت دیگری مشغول میکنیم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

تهدیب اخلاق تعلیم کند با سایرین چه فرقی دارند؟ والا قتیکه قانون حکم کرد کسی دو سال حبس شود یا محکوم شود باینکه یک مدت معینی بطور موقت محروم از حقوق مدنی باشد جهت ندارد که در جامعه سر بازی با سایرین فرق داشته باشد همیشه توری خور باشد.
وزیر فواید عامه - در همان حالیکه بنده تصدیق میکنم که این ماده محتاج بیک اصلاحاتی است مخصوصاً در قسمت اخیر این ماده تحت نظر مأمورین مخصوص باید حذف شود و قسمت دیگر ماده هم باید اصلاح شود در همان حال نمیتوان منکر شد.
راست است از یک نقطه نظر اجرای وظیفه است
ولی در عین حال این یک وظیفه است که مستلزم شرافتمندی هم هست و بهر دستی نمی شود داد
پس بنا بر این در ضمن اجرای وظیفه میگوئیم آن دست هائیکه تا اندازه یاک هستند با آنها اسلحه میدهیم و به آن دست هائیکه قدری آلوده هستند با آن دستها سلاح ندهد و آنها را بخدمت دیگری مشغول میکنیم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

تهدیب اخلاق تعلیم کند با سایرین چه فرقی دارند؟ والا قتیکه قانون حکم کرد کسی دو سال حبس شود یا محکوم شود باینکه یک مدت معینی بطور موقت محروم از حقوق مدنی باشد جهت ندارد که در جامعه سر بازی با سایرین فرق داشته باشد همیشه توری خور باشد.
وزیر فواید عامه - در همان حالیکه بنده تصدیق میکنم که این ماده محتاج بیک اصلاحاتی است مخصوصاً در قسمت اخیر این ماده تحت نظر مأمورین مخصوص باید حذف شود و قسمت دیگر ماده هم باید اصلاح شود در همان حال نمیتوان منکر شد.
راست است از یک نقطه نظر اجرای وظیفه است
ولی در عین حال این یک وظیفه است که مستلزم شرافتمندی هم هست و بهر دستی نمی شود داد
پس بنا بر این در ضمن اجرای وظیفه میگوئیم آن دست هائیکه تا اندازه یاک هستند با آنها اسلحه میدهیم و به آن دست هائیکه قدری آلوده هستند با آن دستها سلاح ندهد و آنها را بخدمت دیگری مشغول میکنیم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

تهدیب اخلاق تعلیم کند با سایرین چه فرقی دارند؟ والا قتیکه قانون حکم کرد کسی دو سال حبس شود یا محکوم شود باینکه یک مدت معینی بطور موقت محروم از حقوق مدنی باشد جهت ندارد که در جامعه سر بازی با سایرین فرق داشته باشد همیشه توری خور باشد.
وزیر فواید عامه - در همان حالیکه بنده تصدیق میکنم که این ماده محتاج بیک اصلاحاتی است مخصوصاً در قسمت اخیر این ماده تحت نظر مأمورین مخصوص باید حذف شود و قسمت دیگر ماده هم باید اصلاح شود در همان حال نمیتوان منکر شد.
راست است از یک نقطه نظر اجرای وظیفه است
ولی در عین حال این یک وظیفه است که مستلزم شرافتمندی هم هست و بهر دستی نمی شود داد
پس بنا بر این در ضمن اجرای وظیفه میگوئیم آن دست هائیکه تا اندازه یاک هستند با آنها اسلحه میدهیم و به آن دست هائیکه قدری آلوده هستند با آن دستها سلاح ندهد و آنها را بخدمت دیگری مشغول میکنیم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

تهدیب اخلاق تعلیم کند با سایرین چه فرقی دارند؟ والا قتیکه قانون حکم کرد کسی دو سال حبس شود یا محکوم شود باینکه یک مدت معینی بطور موقت محروم از حقوق مدنی باشد جهت ندارد که در جامعه سر بازی با سایرین فرق داشته باشد همیشه توری خور باشد.
وزیر فواید عامه - در همان حالیکه بنده تصدیق میکنم که این ماده محتاج بیک اصلاحاتی است مخصوصاً در قسمت اخیر این ماده تحت نظر مأمورین مخصوص باید حذف شود و قسمت دیگر ماده هم باید اصلاح شود در همان حال نمیتوان منکر شد.
راست است از یک نقطه نظر اجرای وظیفه است
ولی در عین حال این یک وظیفه است که مستلزم شرافتمندی هم هست و بهر دستی نمی شود داد
پس بنا بر این در ضمن اجرای وظیفه میگوئیم آن دست هائیکه تا اندازه یاک هستند با آنها اسلحه میدهیم و به آن دست هائیکه قدری آلوده هستند با آن دستها سلاح ندهد و آنها را بخدمت دیگری مشغول میکنیم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

تهدیب اخلاق تعلیم کند با سایرین چه فرقی دارند؟ والا قتیکه قانون حکم کرد کسی دو سال حبس شود یا محکوم شود باینکه یک مدت معینی بطور موقت محروم از حقوق مدنی باشد جهت ندارد که در جامعه سر بازی با سایرین فرق داشته باشد همیشه توری خور باشد.
وزیر فواید عامه - در همان حالیکه بنده تصدیق میکنم که این ماده محتاج بیک اصلاحاتی است مخصوصاً در قسمت اخیر این ماده تحت نظر مأمورین مخصوص باید حذف شود و قسمت دیگر ماده هم باید اصلاح شود در همان حال نمیتوان منکر شد.
راست است از یک نقطه نظر اجرای وظیفه است
ولی در عین حال این یک وظیفه است که مستلزم شرافتمندی هم هست و بهر دستی نمی شود داد
پس بنا بر این در ضمن اجرای وظیفه میگوئیم آن دست هائیکه تا اندازه یاک هستند با آنها اسلحه میدهیم و به آن دست هائیکه قدری آلوده هستند با آن دستها سلاح ندهد و آنها را بخدمت دیگری مشغول میکنیم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
رئیس - مذاکرات کافیست.
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.
رئیس - اگر صلاح میدانید بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد
جمعی از نمایندگان - صحیح است
وزیر مالیه - چون بودجه های سال آینده هنوز بیجلس نیامده است
اگر چه عنقریب خواهد آمد و امیدواریم همین چند روز به مجلس شورای ملی ارسال شود
ولی در هر صورت چون باید یک مدتی در کمیسیون بودجه مطالعه شود و بعد هم در مجلس مذاکره شود و البته وقتی تصویب خواهد شد که در اول سال جریان امور مالی بتواند مرتب شود باین جهت ناچاریم از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس
وزیر مالیه - ناچاریم که لایحه یک دوازدهم برج حمل
همه به بین نمایندگان - صدای زنک
رئیس - امر بسکوت
وزیر مالیه - اجازه بدهید.
چون جریان امور مالیه بمملکت را رانیتوان متوقف کرد از این جهت این لایحه یک دوازدهم اعتبار برج حمل راه به مجلس شورای ملی تقدیم میکنم و تقاضا می کنم قبل از حمل آقایان تصویب کنند
رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم جلسه خصوصی باید تشکیل شود تا شریف بیرند
وزیر فواید عامه - در باب شیلات لایحه تنظیم شده تقدیم مجلس شورای ملی می شود

بعضی از نمایندگان - چه شد
رئیس رأی گرفته میخبر کمیسیون خبر
رود شد و مرخصی تصویب شد
(رأی برت راجع به مرخصی آقا شیخ جلال
بشرح ذیل قرائت شد)

آقای آقا شیخ جلال نماینده محترم
با ارائه تصدیق دوفرا از بزرگان اطباء بر
لزوم مسافرت بجهت معالجه مرض قلبی تقاضای
سه ماه مرخصی از تاریخ پانزدهم حمل
کرده اند کمیسیون عذر ایشان را مقنع و
موجه دانسته تصویب می نماید

رئیس - رأی میگیریم بر مرخصی آقای
آقا شیخ جلال از پانزدهم حمل آقایانی که
تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی برت دیگر
(بشرح ذیل قرائت شد)

آقای صولت السلطنه نماینده محترم
بواسطه گرفتاری های معلی مجبور به زیارت
بوده تقاضای سه ماه مرخصی کرده اند
کمیسیون پس از مذاکره تصویب مینماید که
از تاریخ پانزدهم حمل هزار و سیصد و چهار
تا مدت دو برج غائب با اجازه باشند
رئیس - آقای سرکشیک زاده
(اجازه)

سرکشیک زاده - آقای صولت السلطنه
تا بحال دوسه مرتبه مرخصی خواسته اند و به
ایشان اجازه داده شده ولی بجای اینکه
تشریف ببرند بنده میدیدم در طهران تشریف
دارند از اینجهت بنده معانفم
رئیس آقای آقامیرزا شهاب
(اجازه)

آقامیرزا شهاب - همانظوری که
آقای سرکشیک زاده فرمودند آقای
صولت السلطنه اجازه مرخصی گرفته اند ولی
در موقعی اجازه بایشان داده شد که بکمدتی
از مدتی که اجازه مرخصی خواسته بودند
گذشته بود و به علاوه بکمدتی هم مرخص
بوده اند و از آن اجازه استفاده نشده حالا
برای کارهای لازمشان اجازه خواسته اند
بروند

رئیس - رأی میگیریم.
آقایانی که مرخصی دو ماهه آقای
صولت السلطنه را از پانزدهم حمل تصویب
میکند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. خبر دیگر
(بشرح ذیل قرائت شد)

آقای ناصر الاسلام نماینده محترم برای
استعلاج تقاضای غیبت از تاریخ پانزدهم
حوت هزار و سیصد و سه تا اول حمل هزار و
سیصد و چهار کرده اند
کمیسیون عذر موجه ایشان را پذیرفته
تصویب مینماید.

رئیس آقایانی که مرخصی ایشان را
تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد
یکی پیشنهادی رسیده است راجع به دستور
جلسه فردا قرائت می شود.

(بشرح آتی قرائت گردید)

نظر بلزوم توجه باصلاح امور
اقتصادی مملکت امضاء کنندگان ذیل
پیشنهاد میکنیم رأی برت نفت گیلان جزء
دستور جلسه آتی شود.

رئیس - آقای مشار اعظم
(اجازه)

مشار اعظم - بنده عقیده دارم که بهتر
اینست مجلس شورای ملی در هر کاری که
وارد میشود آن کار را با تمام برساند بعهده
کار دیگر بریزد.

یک عده لوایح اینجهت است که از هر کدام
آن ها چند ماده بیشتر باقی نمانده است
خوبست اگر آقایان موافق باشند رأی برت
راجع بنفت گیلان بگذارند

بعد از اینکه این لوایح ناام تصویب
شد آن وقت به مجلس بیاورند و در آن رأی
بگیریم

رئیس - رأی میگیریم
آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند
قیام فرمایند

(بند کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد.

آقای دست قیب
(اجازه)

دست غیب - بنده عرضم راجع به همین
مسئله بود که گذشت.

رئیس - آقای عدل الملک
(اجازه)

عدل الملک - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین
(اجازه)

تدین - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده
رضی ندارم

رئیس - آقای نصرت الدوله
(اجازه)

نصرت الدوله - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب
(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عرضی
ندارم.

رئیس - آقای افشار
(اجازه)

آقامیرزا رضاخان افشار - عرضی
ندارم.

رئیس - آقای عراقی
(اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - عرضی ندارم

رئیس - آقای رهنما
(اجازه)

رهنما - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای حائریزاده
(اجازه)

حائریزاده - بنده میخواهم پیشنهاد
کنم که لایحه سجل احوال قریب بانه ام است
و اجرای این قانون با بلدییه هاست و لایحه
قانون بلدییه هم از کمیسیون بیرون آمده و
چند روز دیگر هم ممکنست عمر این کمیسیون
منقضی نشود و اگر در مجلس مطرح نشود
این لایحه مجدداً محتاج بتجدید نظر در
کمیسیون جدید خواهد شد

بنابراین بنده تقاضا میکنم جزء دستور
جلسه بشود و مطرح شود و بعد اگر خواستند
یک لوایح مهمتری را جزء دستور کنند آن
وقت بنده اعتراضی ندارم

رئیس - آقای تدین

بنده عقیده ام اینست که آقای حائری -
زاده صرف نظر ازین پیشنهادشان بکنند
و فردا همان قانون نظام اجباری جزء دستور
باشد بعد از اینکه این قانون تمام شد آن
وقت پیشنهاد ایشان جزء دستور شود

حائریزاده - بنده موافقم باشد بعد
رئیس - پس بعد پیشنهاد کنید
(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر
ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -
مؤتمن الملک

منشی - علی اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

جلسه یکصد و چهل دوم
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه بیست و پنجم
حوت هزار و سیصد و سه
مطابق نوزدهم شعبان
المعظم ۱۳۴۳

(مجلس دوساعت و سه ربع قبل از ظهر
براست آقای سهام السلطان نایب رئیس
تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم قبل را آقای آقا
میرزا جوادخان قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای مدیر الملک.
(اجازه)

مدیر الملک - قبل از دستور عرض دارم
نایب رئیس - آقای عراقی
(اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده هم قبل از
دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای حائریزاده
(اجازه)

حائریزاده - قبل از دستور
نایب رئیس - آقای سلطان العلماء
سلطان العلماء - بعد از تصویب صورت
مجلس.

نایب رئیس - آقای سرکشیک زاده
(اجازه)

سرکشیک زاده - بنده هم قبل از دستور